



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد.



۲۰۲۰/۰۷/۱۷



رفعت حسینی

مقایسه حزب خلق و طالبان بخش دوم

دوران ننگین و بیگانه بامدنیّت و پُرمدلت زمامداری های پرچمی ها ، طالبان و خلقی ها ، مشابهت هاویکرنگی های فراوانی دارند.

درین قسمت، بنکته هایی، بیشتر از قسمت نخست، اشاره می نمایم:

بورسهای تحصیلی روسیه، هند، ویتنام، پولند، کیوبا، هنگری، آلمان شرق به:

اعضای کمیته مرکزی (پرچمی، خلقی)، اعضای شورای انقلابی (پرچمی، خلقی)، اعضای کمیته های حزبی شهر ها و ولایات (پرچمی، خلقی)، داده شد.

این بزرگان! تاریخ ردالت در خاکستان افغانستان، بورسها را به:

دختر های پسر های خود

برادر ها و خواهران خود

برادرزاده ها و خواهرزاده های خود

دختران و پسران ماما، عمه، کاکای خود

به منسوبین دیگر فامیل خود

دادند یعنی بخشیدند. مثل میراث پدری شان.

کمیته مرکزی حزب مبتدل خلق در ماه جوزای ۵۷ فیصله نمود تا نام «مارکسیزم لیننیزم» به «فلسفه علمی» تبدیل شود.

طالبان حتا (گوز) بنا بر اوامر پاکستانی ها می زدند. و تاهنوز می زنند.

خلق و پرچمی و وطنی های انقلابی!! ، برای {هر چیزی!!!} از روس های انقلابی اجازت می گرفتند.

بدستور مشاورین روسی در ارگ و وزارتخانه ها، حتا برای ریخ زدن، به تشناب می رفتند و تاهنوز بسیاری از پرچمی ها و خلقیها و وطنی های سابقه، بدستور کاجی بی، برای {صحرا گشت} می روند.

««« کارمل خیلی بزرگ «««« در هواپیمای کاجی بی، در جدی ۱۳۵۸ خ، از روسیه بکابل آمد و فردایش رییس دولت !!! مستقل!!!! و دیموکراتیک!!!! افغانستان شد.

مگر((((((جلالت مآب پروفیسر استاد علامه ملا)))))) عمر با «موتر» پاکستانی از راه تورخم خوده کابل رساند و نماز چاشت را در مسجد پل خشتی خواند و امیرالمومنین خاک آباد اسلام سرای او غانستان گشت.

حزب جفنگ آیین خلق، دوسه تا از ترکمنها و چند هزاره ویگان دانه از بیک را که مامورین وارده صادره در مدیریت اوراق و در مدیریت کود کیمیاوی ولایت خود بودند، بشیوه انقلابی، سناتور انتصابی جو و مقرر کرد. اینها سناتوران

، پس از آن، ناگهانی و دفعتاً، شاعر و نویسنده شدند و هر گُهی راکه لازم میدانستند در دهن مردم می انداختند.

وقتی نگارنده منشی اتحادیه نویسندگان بودم، این «استادان شعرو شاعری» مجموعه های تاپی «چتلی» های خود را، حتا، برای چاپ آوردند که پذیرفته نشد.

کمیته مرکزی آن حزب مبتدل و شورای انقلابی یاهو مشربش، در اجلاسی مشترک امر نمودند که:

تمام مامورین دولت و شاگردان پوهنتون و مکاتب هفته سه روز عادی هفته را ((مارش)) کنند و روز های جمعه به کار داوطلبانه دسته جمعی بپردازند تا سبب انکشاف اقتصاد مملکت شوند.

د پانو شمیره: له ۱ تر ۲

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ

نجیب و سروری، یکجایی، هدایت دادند که شاگردان و آموزگاران مکتب و پوهنتون را از صنوف درسی بکشند و بیرند برای شکنجه دادن و بندی کردن. حتا هدایت دادند که مخالفین!!! انقلاب!!! ثور را از معاینه خانه های داکتران نیز به همینگونه ببرند.
داکتر عبدالاحد مولوی زاده و داکتر عزیز ملک اصغر، که دوستان من بودند، گفتند که در دهه شست، چندین بار از معاینه خانه های آنان، بیماران بیچاره را کشیدند و در موتر انداختند.

...
در جلسه فوق العاده حل و عقد، {دانشوران!!} طالب فرمانی را به امضای ملا عمر رساندند که تمام مردها از دوازده سالگی ریش بانند و پیرن و تنبان بیوشند و دستار بزنند.
در همین جلسه تصمیم گرفته شد که زنان را افزون بر سرکها (در تمام ملک خداداد)، در غازی سندیوم کابل نیز باچوب لت کنند و در وقت امر کمیته های رهبری طالبان، سنگسار نمایند.

...
کمیته مرکزی حزب خلق در سرطان ۱۳۵۷ دستور داد که:
یک. به دهقانان بی زمین، بی پیسه، زمین داده!! شود و مشکل زندگی دهقانان بی پول به طرز انقلابی!! برای همیشه!! نابود شود!!!!!!

دو. اعضای حزب شعله جاوید و انشعاب های رسمی و عادی آن، بزندان بیفتند!
سه. فرهنگیان افغانستان که بنفع حزب خلق و دستاورد های انقلاب ثور چیزی نمی نویسند، کشته شوند.